

## مقایسه ابعاد هویت اسلامی، ایرانی و مدرن در دو نسل از اعضای سپاه پاسداران و بسیج انقلاب اسلامی

عباس ذبیح‌زاده

### چکیده

هدف: مطابق با داعیه بسیاری از نحله‌های فکری، امروزه فرهنگ ایرانی تصویری از سه هویت اسلامی، ایرانی و مدرن است. هدف از انجام این مطالعه سنجش و مقایسه‌ی هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن در دو نسل از اعضای سپاه پاسداران و بسیج انقلاب اسلامی است.

روش: طرح تحقیق مطالعه حاضر از نوع علی مقایسه‌ای و نمونه آماری آن مشتمل بر ۸۰ نفر از نسل جوان و ۷۰ نفر از نسل بزرگسال عضو سپاه پاسداران و بسیج انقلاب اسلامی بوده است. از مقیاس‌های سنجش هویت اسلامی، ایرانی و مدرن و آزمون تداعی تلویحی (IAT) به عنوان ابزار پژوهش و از آزمون تی مستقل برای بررسی تفاوت‌های دو نسل در سه بعد هویتی استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دو نسل در بعد هویت مدرن در سطوح نگرش ضمنی و آشکار وجود دارد.

بحث: مطابق با یافته‌های مطالعه حاضر می‌توان گفت که نسل جوان در مقایسه با نسل بزرگسال به سمت تغییری در سازمان‌یافتگی در شخصیت حرکت کرده و نوعی همزیستی بین هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن در نسل جوان قابل مشاهده است.

**کلیدواژه‌ها:** هویت اسلامی، هویت ایرانی، هویت مدرن، نسل

## مقدمه

تداوم و بقای انقلاب اسلامی مستلزم تبیین هویت و سیرت دینی و اسلامی به ویژه برای نسل جوان است. تقویت هویت دینی و اسلامی نسل جوان در تبیین مسائل و فضای فکری و فرهنگی کشور، می‌تواند نقش مؤثری را در حفظ هویت و سیرت اسلامی ایفا کند (موسوی و کلانتری، ۱۳۹۱). یکی از مباحثات و منازعات جدی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی که در عرصه‌ای پهن‌دامنه از فرهنگ تا سیاست در جریان بوده، مسأله و موضوع هویت است. امروزه جنبه‌های گوناگونی از مسأله هویت در کشورمان مورد توجه اندیشمندان و متفکران در نحله‌های فکری گوناگونی اعم از فلسفه، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار گرفته است (به عنوان نمونه، کچویان، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷؛ حاتمی، ۱۳۸۷؛ شایگان، ۱۳۸۱؛ ناظمی، ۱۳۸۹؛ علی‌اکبری، ۱۳۸۹). این مباحث با توجه به زمینه‌های عینی و آبشخورهای نظری مشروط‌کننده خود، در نهایت بر پایه نظریه هویت مابعد تجددی، نوعی نظریه یا گفتمان‌های هویتی‌ای را عرضه داشتند (کچویان، ۱۳۸۷).

هویت از نقطه نظر بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی به عنوان مفهومی اجتماعی، یک ساختار اجتماعی محسوب می‌شود که متأثر از فرهنگ است (مارکوس و کیتایاما<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱، ۲۰۱۰؛ ماتسوموتو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ موشمان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹). به عبارت دیگر فرهنگ حاکم بر جامعه به شکل‌گیری و سازمان‌یافتگی هویت در نسل‌های گوناگون شخصیتی منجر می‌شود (تریاندیس<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹). تفاوت نسلی نیز در این منظر که بیشتر به ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی دو گروه یا تجربه یک واقعه یا دوران تاریخی و سرنوشت‌ساز یا متمایزکننده مربوط می‌شود، درست یا نادرست، در جای خود بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به ویژه در جوامع در حال گذر از فضای روان‌شناختی سنتی به فضای روان‌شناختی مدرن که تفاوت نسلی در آن به عنوان

---

<sup>۱</sup> Markus&Kitayama

<sup>۲</sup> Matsumoto

<sup>۳</sup> Moshman

<sup>۴</sup> Triandis

یکی از پیامدهای این گذر تلقی شده است (کوثری، ۱۳۸۷). این شکل از تفاوت نسلی را می‌توان در مباحثات و منازعات جدی هویت در فرهنگ ایرانی جستجو کرد. مروری بر ادبیات پژوهشی مرتبط در این زمینه نشان می‌دهد که محدود مطالعاتی به بررسی سازمان‌یافتگی هویت در شخصیت ایرانی پرداخته‌اند و مطالعاتی (به عنوان نمونه، حاتمی، ۱۳۹۰؛ رحیمی‌نژاد و منصور، ۱۳۸۰؛ لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۶) که به کاوش پیرامون نوع این سازمان‌یافتگی مبادرت ورزیده‌اند در ابتدای راه خود قرار دارند.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند هویت انسان ایرانی، همواره از ساختمانی ترکیبی و یا تلفیقی برخوردار بوده است؛ آن‌چنان که در سطح عام، ترکیب‌هایی چون هویت ایرانی (ایران پیش از اسلام)، اسلامی و غربی وجود دارد (شمشیری و نوشادی، ۱۳۸۶) که در هر برهه از زمان بر اساس سیاست‌های موجود، یک یا دو عنصر از هویت ملی ایرانی در مرکز توجه واقع شده است. از طرف دیگر، هویت ایرانی در چند دهه اخیر تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن و روندهای عام‌گرایانه در سطح بین‌المللی قرار گرفته است (حاجیان، ۱۳۸۸) و مسأله تداخل و ناسازگاری میان سطوح مختلف هویت جمعی (قومی، ملی و فراملی) را ایجاد کرده است (فکوهی، ۱۳۸۱). به علاوه آمیخته شدن عناصر فرهنگ ایرانی و اسلامی با عناصر فرهنگی غرب در دوره جدید، چالشی را در تعریف هویت جمعی ایرانی ایجاد کرده است. در عین حال امروزه حفظ هویت و اصالت اسلامی-ایرانی، دغدغه‌ای بسیار مهم و ملی محسوب شده آن‌چنان که اهمیت آن در متن سند چشم‌انداز نیز ذکر شده است.

مطابق با دیدگاه بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان فضای روان‌شناختی حاکم بر شخصیت ایرانی مشتمل بر گرایش‌های اسلامی و ایرانی است که در شکل‌گیری هویت اسلامی و ایرانی تأثیرگذار است. تلفیق دو هویت اسلامی و ایرانی در قالب هویتی مستحیل با نام هویت اسلامی-ایرانی (حاتمی، ۱۳۹۰) در متن اصلی سند چشم‌انداز نیز ذکر شده است و تقریباً تنها تغییری است که مقام معظم رهبری در سند پیشنهادی مجمع اضافه نمودند که بسیار هوشمندانه بوده و به واقع

مثابه روحی در کالبد سند چشم‌انداز است (علی‌اکبری، ۱۳۸۹). در واقع هویت اسلامی و ایرانی ویژگی‌هایی را به جامعه ایرانی می‌دهد که با دیگر جوامع چه غربی و چه شرقی متمایز می‌شود (ناظمی، ۱۳۸۹). اما با ورود مظاهر تمدن جدید و سبک زندگی وابسته به آن، گرایش‌های غربی یا مدرن نیز به آن اضافه شده است. این گرایش‌های جدید به شکل‌گیری هویت جدیدی به نام هویت مدرن منجر شده است که با ویژگی‌های ماتریالیستی و گرایش به فردگرایی و استقلال، ناهمخوانی‌هایی را با دو هویت (اسلامی و ایرانی) گذشته دارد (حاتمی، ۱۳۹۰).

بنابراین جامعه ایرانی در قرن بیستم تصویر زنده‌ای از سه هویت متفاوت است: هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت مدرن. هویت اسلامی که با ورود اسلام و گسترش تمدن اسلامی شکل گرفته است و با گرایش به توحید و یکتاپرستی همراه است و زنده‌ترین بخش هویت است. هویت ملی و ایرانی، تعلق افراد به یک سرزمین و تاریخ را بیان می‌کند که ریشه‌ای طولانی‌مدت دارد و با غرور و عظمت و شکوه هخامنشی، اشکانی و ساسانی همراه است. و همچنان‌که پیش‌تر نیز گفته آمد، سومین شکل از پوشش هویتی در فرهنگ ایرانی، هویت مدرن است که با ورود عناصر زندگی غربی از طریق گسترش وسایل ارتباطی و آسان شدن ارتباطات فرهنگی در دوران مشروطیت به بعد شکل گرفته و جدیدترین شکل هویت ایرانی است (شایگان، ۱۳۸۰). ورود مظاهر تمدن جدید و سبک زندگی وابسته به آن در ایران از نیمه نخست قرن بیستم آغاز شده است. انتشار آثاری با موضوع هویت، همراه با شکل‌گیری نهضت‌های اجتماعی‌ای که در جستجوی احیای هویت بومی هستند، نشانه‌ای است، از آغاز شکل‌گیری یک هویت جدید در کنار هویت‌های سنتی (حاتمی، ۱۳۸۷). میان هویت ایرانی و هویت اصلی، منازعه‌ای کم و بیش پنهان در عرصه تاریخ ملی ایرانیان وجود داشته است. اما این دو هویت در سطح متافیزیکی و مفهومی با یکدیگر سازگارند؛ حال آن‌که گذار از هویت اسلامی به هویت مدرن با موانع متعددی روبه‌رو است (شایگان، ۱۳۸۰). در واقع با گسترش رسانه‌های الکترونیکی و شبکه‌های ماهواره‌ای، موانع ارتباطی جامعه ایرانی با

فرهنگ‌های دیگر برداشته شد. جامعه جوان ایران در معرض جهان لایه‌لایه و ناهمگون جدیدی قرار گرفت. اما با وجود گسترش این ارتباطات، به نظر می‌رسد که هویت‌های اسلامی و ایرانی هنوز قدرتمندترین ارکان هویتی در ساختار شخصیت ایرانی باشد؛ چه در نسل جوان و چه در نسل بزرگسال. این پیامد آرامش‌بخش موجب شده است رویکرد جدیدی برای مواجهه با فرهنگ‌های بیگانه اتخاذ شود. رویکردی که بیشتر متکی بر ابراز وجود است تا نفی خویشتن؛ بنابراین به نظر می‌رسد که جامعه ایرانی در حال خارج شدن از حالت تعارضی است و تقریباً توانسته است بین هویت‌های سنتی خود با هویت مدرن خود نوعی سازگاری ایجاد کند (حاتمی، ۱۳۸۷). بدین ترتیب سه هویت ایرانی، دینی و مدرن هریک در دل دیگری جای گرفته‌اند و مناطق تداخلی ایجاد کرده‌اند که هر دم پیچیده‌تر می‌شود و قلمروهایی که هر یک در آن دخل و تصرف می‌کنند (شایگان، ۱۳۸۰).

با توجه به انگاره‌های مطرح‌شده در بالا، هدف از مطالعه حاضر مقایسه ابعاد هویت اسلامی، ایرانی و مدرن در دو نسل جوان و بزرگسال عضو سپاه پاسداران و بسیج انقلاب اسلامی است. ادبیات پژوهشی مرتبط در داخل کشور نشان می‌دهد که اخیراً تمایل و گرایشی نوپا در پژوهشگران برای سنجش تلویحی مفاهیم روان‌شناختی در سطوح فردی و اجتماعی به وجود آمده است. بر این اساس پژوهش‌هایی با استفاده از آزمون‌های ضمنی در حیطه‌های موضوعی متنوعی انجام شده است که بعضی از آنها نیز پیرامون سنجش تلویحی هویت بوده است (به عنوان نمونه، حاتمی، ۱۳۹۰؛ نجات، ۱۳۹۰). از مطالعات انگشت‌شمار و معدودی که در زمینه سنجش نگرش ضمنی هویت صورت گرفته می‌توان به مطالعه حاتمی (۱۳۹۰) اشاره کرد که با توجه به اصول نگرش ضمنی به تهیه و ساخت ابزار ضمنی سنجش هویت اقدام نمود، اما روایی و پایایی این ابزار در حد قابل قبولی گزارش نشده است.

در مجموع ادبیات پژوهشی مربوط نشان می‌دهد پاسخ‌دهی شرکت‌کنندگان به ابزارهای عینی تحت تأثیر برخی نیروها قرار می‌گیرد. ابزارهای ضمنی کمتر از طریق این نیروها تحریف می‌شوند. تصور بر آن است که این ابزارها با به کارگیری کمترین منابع به نحو کارآمدتری عمل می‌کنند. ابزارهای خودگزارش‌دهی تنها نتیجه‌ی نهایی فرآیندهای پردازش اطلاعات و نه خود این فرایندها را پوشش می‌دهند (ملکی، ۱۳۹۱). در حالی که مطالعات پیشین اغلب بر روش‌های آشکار (پرسشنامه‌ها) سنجش هویت متکی بوده‌اند، در مطالعه حاضر سعی بر آن است که از ابزاری متفاوت استفاده شود که در آن از شرکت‌کنندگان خواسته شود که آگاهانه به صفحه نمایشگر رایانه نگاه کنند و در یک موقعیت خاص پاسخ‌های خویش را ارائه نمایند. روشن است که هنگام استفاده از روش‌های آماده‌سازی زیرآستانه‌ای، شرکت‌کنندگان از روند پردازش اطلاعات آگاه نیستند. اما استفاده از یک تکلیف دیداری آشکار، مستلزم بازتاب هوشیارانه‌ای است که احتمالاً با پردازش سرنخ‌های مرتبط با هویت تداخل می‌کند. با این حال فعالیت و آثار آن هنوز می‌تواند خودکار باشد، چون واکنش به آن به نحو مؤثر و در غیاب قصد، آگاهی و کنترل هوشیارانه رخ می‌دهد. نکته دوم این که مواردی که پیش‌تر ارائه شد ممکن است این تصور را به وجود آورد که ابزارهای خودگزارش‌دهی نمی‌توانند اطلاعاتی با روایی بالا پیرامون مفاهیم مرتبط با هویت فراهم آورند. اما باید بر این نکته تأکید کرد که فرآیندها و بازنمایی‌های آشکار و ضمنی هر دو در نظم‌بخشی نظام هویتی فرد نقش دارند، پس برای مطالعه پویایی‌های مربوط به هویت هم به ابزارهای مستقیم (عینی) و هم غیرمستقیم (ضمنی) نیاز است.

بر این اساس در این مطالعه درصدد بوده‌ایم تا در کنار استفاده از مقیاس‌های خودگزارش‌دهی مربوط به سنجش هویت، از نسخه اصلاح‌شده آزمون وابستگی تلویحی (تداعی ضمنی) (IAT) مبتنی بر مطالعه حاتمی (۱۳۹۰) به عنوان آزمونی روان‌شناختی که به بررسی گرایش‌های فرد در سطح تلویحی می‌پردازد، استفاده شود و در سایه دستیازی به این هدف به سنجش اشکال سه‌گانه هویت در دو نسل جوان و بزرگسال اعضای سپاه پاسداران و بسیج انقلاب اسلامی مبادرت گردد.

## روش

جامعه و نمونه آماری: طرح تحقیق مطالعه حاضر از نوع علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری این مطالعه نیز همه اعضای سپاه پاسداران و بسیج انقلاب اسلامی است که در مطالعه حاضر از دو گروه سنی، شامل افراد جوان در دامنه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال و افراد میانسال در دامنه سنی بالای ۴۰ سال عضو پایگاه‌های بسیج و سپاه پاسداران و همچنین جانبازان هشت سال دفاع مقدس در شهرستان جویبار و قائم‌شهر و شهرهای حومه آن و همچنین پایگاه‌های بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سطح شهر تهران به عنوان نمونه‌های این پژوهش، استفاده شده است. نمونه مورد نظر در این تحقیق شامل ۱۵۰ نفر بوده است که ۸۰ نفر نماینده گروه جوان (۳۰ دختر و ۵۰ پسر با میانگین سنی ۲۴/۱۵ و انحراف استاندارد ۲/۴۲) و همچنین ۷۰ نفر نماینده قشر بزرگسال (۲۳ زن و ۴۷ مرد با میانگین سنی ۴۳/۱۲ و انحراف استاندارد ۳/۵۳) بودند. از مجموع ۱۵۰ نفر، نیمی از آن‌ها (۷۵ نفر) به نسخه اصلاح‌شده آزمون تداعی تلویحی سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن و نیمی دیگر (۷۵ نفر) به مقیاس‌های خودگزارش‌دهی (پرسشنامه‌های) تدارک دیده شده در این زمینه پاسخ دادند. جدول شماره ۱ نمایشگر شاخص‌های توصیفی شرکت‌کنندگان مطالعه حاضر است.

جدول شماره ۱: شاخص‌های توصیفی شرکت‌کنندگان بر اساس سن و جنس

| آماره<br>نسل | جنسیت | تعداد | میانگین سن | انحراف استاندارد سن | جمع |
|--------------|-------|-------|------------|---------------------|-----|
| نسل جوان     | زن    | ۳۰    | ۲۴/۱۵      | ۲/۴۲                | ۸۰  |
|              | مرد   | ۵۰    |            |                     |     |
| نسل بزرگسال  | زن    | ۲۳    | ۴۳/۱۲      | ۳/۵۳                | ۷۰  |
|              | مرد   | ۴۷    |            |                     |     |
| جمع کل       |       |       |            |                     | ۱۵۰ |

ابزار پژوهش: به منظور جمع‌آوری داده‌ها و سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن از سه مقیاس در سطح نگرش آشکار و آزمون تداعی ضمنی در سطح نگرش ضمنی استفاده شده است:

مقیاس سنجش هویت اسلامی (مذهبی): این پرسشنامه با طرح گویه‌هایی بر اساس مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت دینی و اسلامی در فرهنگ ایرانی دارای ۳۲ سؤال برای سنجش هویت اسلامی است. نحوه نمره‌گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سؤال پنج گزینه با عناوین «کاملاً موافق»، «موافق»، «نظری ندارم»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» قرار دارد. نحوه محاسبه آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. مقیاس اخیر پس از مطالعه تحلیل عاملی توسط رحیمی‌نژاد و احمدی (۱۳۷۴) از جهت روایی سازه مورد تأیید قرار گرفته است. یافته‌های مربوط به اعتبار این مقیاس در پژوهش رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۸۰) نیز تأیید شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۹۹ به دست آمده است.

مقیاس سنجش هویت ایرانی (ملی): این پرسشنامه با طرح گویه‌هایی بر اساس مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی و ایرانی در فرهنگ ایرانی شامل ۱۴ سؤال برای سنجش هویت ایرانی است. نحوه نمره‌گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سؤال ۵ گزینه با عناوین «کاملاً موافق»، «موافق»، «نظری ندارم»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» قرار دارد. نحوه محاسبه آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. مقیاس ۱۴ سؤالی اخیر از مطالعه تحلیل عاملی توسط رحیمی‌نژاد و احمدی (۱۳۷۴) از جهت روایی سازه مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ هویت ایرانی و ملی در پژوهش رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۸۰) ۰/۹۵ به دست آمده است.

مقیاس سنجش هویت مدرن: این پرسشنامه با طرح گویه‌هایی بر اساس مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت مدرن شامل ۳۱ سؤال است که دارای پنج خرده مقیاس است. این پنج خرده مقیاس شامل لیبرالیسم، استقلال فردی، ابزارهای ارتباطی، زندگی شهری

و جهانی شدن می‌باشد. نحوه نمره‌گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سؤال پنج گزینه با عناوین «کاملاً موافق»، «موافق»، «نظری ندارم»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» قرار دارد. نحوه محاسبه‌ی آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. روایی و پایایی این مقیاس پس از اجرا روی ۵۴۸ شرکت‌کننده بررسی و تعیین شده است (حاتمی، ۱۳۹۰). علاوه بر تحلیل عاملی، برای کسب اطمینان از روایی سازه‌ی مقیاس، روش شناخته‌شده محاسبه پایایی (از نوع آلفای کرونباخ) برای تعیین ضریب پایایی نیز استفاده شده است و میانگین پایایی برای هر خرده مقیاس محاسبه شده است. آزمون کی‌ام‌او (KMO) انجام شده نیز نشان داده که ضریب بدست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش بود (برابر با ۰/۷۳۶). همچنین آزمون کرویت بارتلت در سطح  $P < ۰/۰۰۵$  معنادار بود (حاتمی، ۱۳۹۰).

آزمون تداعی تلویحی: آزمون تداعی تلویحی آزمونی رایانه‌ای است که برای اولین بار توسط گرینوالد، مک‌گی و شوارتز (۱۹۹۸) ابداع گردیده و تا کنون برای بررسی نگرش‌های ضمنی نسبت به موضوعات گسترده‌ای به کار رفته است (گرینوالد و باناجی، ۵، ۱۹۹۵). در بنیان نظری آزمون تداعی ضمنی، ذهن انسان شبکه‌ای فرض می‌شود که مفاهیم مختلف دنیای اجتماعی گره‌های آن را تشکیل می‌دهند. بین هر جفت از این گره‌ها یا مفاهیم، پیوندها و ارتباطاتی وجود دارد که قوت متفاوتی دارند. این پیوندها نماینده سازه‌های مختلف شناخت اجتماعی هستند. مطالعات متعددی روایی این آزمون را بررسی و مورد تأیید قرار داده‌اند (نجات و حاتمی، ۱۳۹۱). در آزمون تداعی ضمنی، نگرش ضمنی از طریق بررسی تفاوت در زمان‌های واکنش سنجیده می‌شود. برای اجرای این آزمون ابتدا صفات شناسنامه‌ای شرکت‌کننده، همراه با واژگانی که نماینده موضوع مورد سنجش است وارد رایانه و سپس آزمون اجرا می‌شود. آزمون نگرش ضمنی شامل هفت مرحله کوتاه است که پنج مرحله آن تمرینی و دو مرحله اصلی است. تفاوت زمان واکنش بین مرحله چهارم و هفتم به عنوان شاخصی از نگرش ضمنی فرد در نظر گرفته می‌شود.

## یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های شرکت‌کنندگان در دو نسل جوان و بزرگسال در مقیاس‌های سنجش آشکار گرایش‌های هویتی اسلامی، ایرانی و مدرن (پرسشنامه‌های هویت اسلامی، ایرانی و مدرن) در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: توصیف آماری برای نگرش آشکار به ابعاد هویتی در دو نسل

| تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | خطای استاندارد |         |
|-------|---------|------------------|----------------|---------|
| ۴۰    | ۳/۷۷    | ۰/۴۵             | ۰/۰۴           | ایرانی  |
| ۳۵    | ۳/۸۹    | ۰/۳۲             | ۰/۰۵           | بزرگسال |
| ۴۰    | ۴/۲۴    | ۰/۶۵             | ۰/۰۸           | اسلامی  |
| ۳۵    | ۴/۵۵    | ۰/۴۴             | ۰/۰۶           | بزرگسال |
| ۴۰    | ۳/۸۱    | ۰/۲۳             | ۰/۰۳           | مدرن    |
| ۳۵    | ۲/۳۰    | ۰/۳۴             | ۰/۰۵           | بزرگسال |

به منظور بررسی تفاوت نمرات دو نسل جوان و بزرگسال در گرایش‌های هویتی در سطح نگرش آشکار از آزمون تی استیودنت استفاده شده است که نتایج آن در جداول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: تفاوت میانگین‌های دو نسل در ابعاد هویتی در سطح نگرش آشکار

| هویت        | آماره تی | درجه آزادی | معناداری |
|-------------|----------|------------|----------|
| هویت اسلامی | ۱/۸۳     | ۷۳         | ۰/۰۶۷    |
| هویت ایرانی | -۱/۵۹    | ۷۳         | ۰/۱۱۳    |
| هویت مدرن   | ۴/۰۴     | ۷۳         | ۰/۰۰۴**  |

\*\* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ و \* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ است.

همچنان که نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، تفاوت دو گروه نسل جوان و بزرگسال در سطح نگرش آشکار هویت مدرن در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ حال آن‌که در دو نسل تفاوتی در ابعاد هویتی اسلامی و ایرانی مشاهده نشده است. با در نظر گرفتن میانگین نمرات دو نسل جوان و بزرگسال در سطح نگرش آشکار سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن و با توجه به نتایج جدول شماره ۴ می‌توان قضاوت نمود که علی‌رغم گرایش بیشتر نسل جوان به هویت مدرن، اما دو نسل در میزان گرایش به هویت اسلامی و ایرانی با هم برابرند. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های شرکت‌کنندگان در دو نسل جوان و بزرگسال در مقیاس ضمنی سنجش گرایش‌های هویتی اسلامی، ایرانی و مدرن (آزمون IAT) در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۴: توصیف آماری برای نگرش ضمنی به ابعاد هویتی در دو نسل

| تعداد  | میانگین | انحراف استاندارد | خطای استاندارد |      |      |
|--------|---------|------------------|----------------|------|------|
| ایرانی | جوان    | ۴۰               | ۰/۷۲           | ۰/۳۵ | ۰/۰۳ |
|        | بزرگسال | ۳۵               | ۰/۶۳           | ۰/۲۲ | ۰/۰۳ |
| اسلامی | جوان    | ۴۰               | ۰/۶۴           | ۰/۶۵ | ۰/۰۴ |
|        | بزرگسال | ۳۵               | ۰/۶۱           | ۰/۳۴ | ۰/۰۵ |
| مدرن   | جوان    | ۴۰               | ۰/۶۵           | ۰/۴۳ | ۰/۰۳ |
|        | بزرگسال | ۳۵               | ۰/۸۹           | ۰/۵۴ | ۰/۰۶ |

به منظور بررسی تفاوت نمرات دو نسل جوان و بزرگسال در گرایش‌های هویتی در سطح نگرش ضمنی از آزمون تی استیودنت استفاده شده است که نتایج آن در جداول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول شماره ۵: تفاوت میانگین‌های دو نسل در ابعاد هویتی در سطح نگرش ضمنی

| هویت        | آماره تی | درجه آزادی | معناداری |
|-------------|----------|------------|----------|
| هویت اسلامی | ۱/۴۲     | ۷۳         | ۰/۳۰۲    |
| هویت ایرانی | ۱/۰۶     | ۷۳         | ۰/۲۲۳    |
| هویت مدرن   | ۳/۴۴     | ۷۳         | ۰/۰۰۳**  |

\*\* معنی داری در سطح ۰/۰۱ و \* معنی داری در سطح ۰/۰۵ است.

همچنان که نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، تفاوت دو گروه نسل جوان و بزرگسال در سطح نگرش ضمنی هویت مدرن در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ حال آن‌که در دو نسل تفاوتی در ابعاد هویتی اسلامی و ایرانی مشاهده نشده است. با در نظر گرفتن میانگین نمرات دو نسل جوان و بزرگسال در سطح نگرش ضمنی سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن و با توجه به نتایج جدول شماره ۵ می‌توان قضاوت نمود که به مثابه آنچه در سطح نگرش آشکار مشاهده شده است، در سطح نگرش ضمنی سنجش هویت نیز علی‌رغم گرایش بیشتر نسل جوان به هویت مدرن، اما دو نسل در میزان گرایش به هویت اسلامی و ایرانی با هم برابرند.

## بحث و نتیجه‌گیری

مطابق با دیدگاه بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان فضای روان‌شناختی حاکم بر شخصیت ایرانی مشتمل بر گرایش‌های اسلامی و ایرانی است که در شکل‌گیری هویت اسلامی و ایرانی تأثیرگذار است. اما با ورود مظاهر تمدن جدید و سبک زندگی وابسته به آن، گرایش‌های غربی یا مدرن نیز به آن اضافه شده است. این گرایش‌های جدید به شکل‌گیری هویت جدیدی به نام هویت مدرن منجر شده است که با ویژگی‌های ماتریالیستی و گرایش به فردگرایی و استقلال، ناهمخوانی‌هایی را با دو هویت (اسلامی و ایرانی) گذشته دارد (حاتمی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین جامعه‌ی ایرانی در حال حاضر تصویر زنده‌ای از سه فرهنگ است. فرهنگ

اسلامی و دینی، فرهنگ ایرانی و ملی و فرهنگ غربی یا مدرن (شایگان، ۱۳۸۰)؛ چنان‌که انسان ایرانی در زندگی جاری خویش، هم بهره‌ای از فرهنگ ملی باستانی خود دارد، هم در فرهنگ دینی که درخشش آفاق معنوی اسلام را در درون خود به همراه دارد، غوطه‌ور است و هم امواج فرهنگ غربی و مدرن که از فرهنگ پرزرق و برق و دل‌فریب فرنگ سیراب است، بر سر و روی فرهنگ دینی و ملی ما خورده و می‌خورد و حیات فکری و فردی و اجتماعی ما، نشانی از آن دارد. هدف از انجام مطالعه حاضر سنجش و مقایسه ابعاد هویت اسلامی، ایرانی و مدرن در دو نسل از اعضای سپاه پاسداران و بسیج انقلاب اسلامی بوده است. همچنان‌که در قسمت نتایج مطالعه حاضر ذکر شده است، تفاوت دو گروه نسل جوان و بزرگسال عضو بسیج و سپاه پاسداران فقط در مورد بُعد هویت مدرن معنادار است؛ حال آن‌که در دو نسل تفاوتی در ابعاد هویتی اسلامی و ایرانی مشاهده نشده است. با در نظر گرفتن میانگین نمرات دو نسل جوان و بزرگسال در ابعاد هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن و نتایج آماره‌تی استیودنت، می‌توان قضاوت نمود که علی‌رغم گرایش بیشتر نسل جوان به هویت مدرن، اما دو نسل در میزان گرایش به هویت اسلامی و ایرانی با هم برابرند. به عبارت دیگر هم در نسل بزرگسال و هم در نسل جوان عضو بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روند گرایش به هویت اسلامی نسبت به دو قسم دیگر هویت یعنی هویت ایرانی و مدرن بیشتر بوده است و این نسبت در مورد هویت ایرانی در قیاس با هویت مدرن نیز کمابیش صادق بوده است. اما نکته قابل توجه در این شکل از روابط بین ابعاد سه‌گانه هویت در شخصیت نسل بزرگسال و جوان عضو بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیرامون میانگین نمرات این دو نسل در بُعد هویت مدرن بوده است. همچنان‌که نتایج نشان می‌دهد هم در سطح نگرش آشکار و به مثابه آن هم در سطح نگرش ضمنی، در نسل بزرگسال عضو بسیج و سپاه پاسداران، میانگین نمرات بالا در هویت اسلامی و ایرانی با میانگین پایین نمرات در هویت مدرن همبسته بوده است اما در نسل جوان شاهد چنین رابطه‌ای نبوده‌ایم. به عبارت دیگر در نسل جوان عضو بسیج نمرات هویت مدرن هم‌سو با نمرات هویت اسلامی و ایرانی بالا بوده

است. در تفسیر نتایج این بخش، شاید بتوان استعاره شخصیت موزاییکی بندیکت را در توصیف ساختار جدید شخصیت نوجوان ایرانی در عصر جدید به کار برد (حاتمی، ۱۳۸۸) و می‌توان این ساختار را درمقابل ساختار سلسله‌مراتبی و متحدالمرکز در نسل گذشته قرار داد. ورود مظاهر تمدن جدید و سبک زندگی وابسته به آن در ایران از نیمه نخست قرن بیستم آغاز شده است.

حافظه جمعی ایرانیان در برابر شیوه‌های جدید زندگی و پیامدهای روان‌شناختی آن واکنش‌های متفاوتی ارائه داده است. جامعه ایرانی در قرن بیستم تصویر زنده‌ای از سه هویت است: هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت مدرن. هویت ملی و ایرانی، تعلق افراد به یک سرزمین و تاریخ را بیان می‌کند که ریشه‌ای طولانی‌مدت دارد و با غرور و عظمت و شکوه هخامنشی، اشکانی و ساسانی همراه است، هویت اسلامی که با ورود اسلام و گسترش تمدن اسلامی شکل گرفته است و با گرایش به توحید و یکتاپرستی همراه است و زنده‌ترین بخش هویت است و هویت مدرن که با ورود عناصر زندگی غربی از طریق گسترش وسایل ارتباطی و آسان شدن ارتباطات فرهنگی در دوران مشروطیت به بعد شکل گرفته است و جدیدترین شکل هویت است (شایگان، ۱۳۸۰؛ حاتمی، ۱۳۹۰). با گسترش رسانه‌های الکترونیکی و شبکه‌های ماهواره‌ای، موانع ارتباطی جامعه ایرانی با فرهنگ‌های دیگر برداشته شد. جامعه جوان ایران در معرض جهان لایه لایه و ناهمگون جدید قرار گرفت. اما همچنان که نتایج مطالعه حاضر در نسل جوان بسیجی نشان می‌دهد، با وجود گسترش ارتباطات، هویت‌های اسلامی و ایرانی هنوز هم در ساختار شخصیتی نسل جوان ایرانی به مثابه نسل بزرگسال آن قدرتمند است. این پیامد آرامش‌بخش موجب شده است، رویکرد جدیدی برای مواجهه با فرهنگ‌های بیگانه اتخاذ شود. رویکردی که بیشتر متکی بر ابراز وجود است تا نفی خویشتن؛ بنابراین به نظر می‌رسد که جامعه ایرانی در حال خارج شدن از حالت تعارضی است و تقریباً توانسته است بین هویت‌های سنتی خود یعنی هویت اسلامی و ایرانی با هویت مدرن خویش نوعی سازگاری ایجاد کند. این سازگاری و هماهنگی بین

هویت‌های اسلامی، ایرانی با هویت مدرن آسیب جدی به آنها وارد نکرده است. در واقع به نظر می‌رسد که نسل جوان بین هویت‌های سه‌گانه خود نوعی هم‌زیستی ایجاد کرده است. جوان عصر جدید ایران در آیین‌های مذهبی شرکت می‌کند. به هویت ملی و مفاخر ادبی، نظامی و هنری سرزمین خود علاقه‌مند است اما به آثار هنری و سبک زندگی مدرن غیر ایرانی نیز علاقه‌مند است. در اتاق خصوصی این نسل محصولات موسیقی غربی، سنتی و مذهبی در کنار یکدیگر دیده می‌شود (حاتمی، ۱۳۸۷، ۱۳۹۰).

اما نکته‌ای که در حد خطوط کلی قابل تأمل می‌باشد این است که سازگاری بین این سه هویت مستلزم ایجاد تغییری در ساختار شخصیت نسل جوان بوده است. اما آیا می‌توان به صراحت در مورد تغییر در ساختار شخصیتی فرد جوان ایرانی صحبت کرد؟ و این‌که آیا می‌توان تأثیر ارتباطات جهانی را بر تغییر هویت جامعه ایران مشاهده کرد؟ مقایسه‌های انجام شده در دو نسل از اعضای بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همسو با مطالعه حاتمی (۱۳۹۰) حرکت کردن جامعه ایرانی به این سمت را در نسل جوان نمایان و بارقه‌هایی در تغییر ساختار شخصیت در نسل جدید ایرانی را نشان داده است؛ بنابراین، شاید بتوان استعاره شخصیت موزاییکی بندیکت را در توصیف ساختار جدید شخصیت نوجوان ایرانی در عصر جدید به کار برد (حاتمی، ۱۳۸۸) و می‌توان این ساختار را در مقابل ساختار سلسله‌مراتبی و متحدالمرکز در نسل گذشته قرار داد. در ساختار سلسله‌مراتبی هم‌زیستی همزمان هویت‌های ناهمخوان وجود ندارد. همان‌طور که در داده‌های تحقیق نمایان است در نسل بزرگسال، افزایش هویت اسلامی و ایرانی، کاهش هویت مدرن را به همراه دارد. اما در نسل جدید گرایش به سمت موزاییکی شدن را می‌توان مشاهده کرد. در ساختار موزاییکی این امکان فراهم می‌شود که هویت‌ها در خانه‌های مستقل از هم و بدون این‌که تعارضی برای هم ایجاد کنند، قرار گیرند. در ساختار شخصیت یکپارچه که نماینده نسل بزرگسال است، شخصیت هر فرد بر اساس ویژگی مهم و کلی‌اش تعیین می‌شود و سایر ویژگی‌های او تابع ویژگی

اصلی ست. در این نوع سازمان‌یافتگی فرد نمی‌تواند در یک زمان هم مذهبی و هم به موسیقی غربی علاقه‌مند باشد. مذهبی بودن الگوی رفتاری او را در همه زمینه‌ها مشخص می‌کند. اما در شخصیت موزاییکی نمی‌توان دآوری کلی در مورد یک شخص انجام داد. رفتار او از یک نظام منسجم که یک روح کلی بر آن حاکم است تبعیت نمی‌کند. فرد خود را آزاد می‌داند در موقعیت‌های متفاوت بر اساس جنبه‌های مختلف شخصیت خود عمل کند. او مذهبی ست، پس در مراسم و آیین‌های مذهبی شرکت می‌کند. در موقعیت دیگر او از شنیدن یک موسیقی پاپ که از نظر پدران او ممنوع است، لذت می‌برد. او رفتار دوم را مستقل از جنبه قبلی شخصیت خود می‌داند. او هم مذهبی ست و هم مدرن است. حالت دوزیستی حاصل از هم‌زیستی هویت مدرن و سنتی ویژگی و شاید موهبتی ست که نسل جدید ایرانی را از انسان غربی متفاوت می‌کند (حاتمی، ۱۳۸۷). برای توصیف بهتر این تغییر در سازمان‌یافتگی شخصیت شاید بتوان از یک زبان استعاره‌ای سود جست. به عبارت دیگر جوان امروزی از جهان‌بینی‌های متنوعی برخوردار است و در کنار هم قرارگرفتن جهان‌بینی‌های مختلف به صورت هم‌زمان، موجب شده فضای سازنده انسان مدرن فضای ناهمگونی باشد. در شرایط جدید همه کم و بیش در معرض فرآیند درآمیختگی هستند. نفوذ یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر، مانند گذشته نیاز به زمان طولانی ندارد. تجربه‌های فرهنگی بلافاصله وارد آگاهی ما می‌شوند. ما در آن واحد در معرض تجربه‌ها، جهان‌بینی‌ها و نظرات متنوع هستیم. این تجربه، تجربه جدیدی است؛ بنابراین می‌توان از استعاره دلوژ و گوتاری<sup>۶</sup> (۱۹۸۷) یعنی ریزوم به جای استعاره ریشه درخت به عنوان الگویی برای توصیف شخصیت استفاده کرد. ریزوم ساقه زیرزمینی ست که به صورت افقی جوانه می‌زند. ریزوم در نقطه‌ای ثابت ریشه ندارد و متکی به مکان خاصی نیست. ریزوم برخلاف درخت است که به صورت عمودی در مکانی خاص ریشه می‌دواند. انسان معاصر در حال تبدیل شدن به موجودی است که نمی‌تواند ادعا کند در مکانی خاص ریشه دارد. انسان معاصر شبیه ریزومی ست که با فرهنگ‌ها، جهان‌ها و آگاهی‌های

---

<sup>۶</sup>Deleuze & Guattari

مختلف ارتباط دارد. انسان معاصر ایرانی آگاهی بیشتری نسبت به وضعیت خود و دیگران دارد.

در مجموع بدیهی است که با توجه به این که این مطالعه، یک مطالعه مقدماتی پیرامون نحوه سنجش و اندازه گیری آشکار و ضمنی هویت های اسلامی، ایرانی و مدرن در فرهنگ ایرانی است، این تبیین های احتمالی تنها در حد انگاره هایی هستند که نیاز به بررسی بیشتری دارند و لازم است مطالعات گسترده تری پیرامون آن صورت پذیرد؛ مطالعاتی که با توجه به نتایج مطالعه حاضر ضرورت انجام آنها بیش از پیش احساس می شود.

## کتابنامه

- حاتمی، ا. (۱۳۹۰). سازمان‌یافتگی شخصیت از منظر هویت‌های ملی، مذهبی و مدرن در دو نسل. پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- حاتمی، ج. (۱۳۸۷). خویش-تن. تهران: نشر تبلور.
- حاجیان، ا. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- رحیمی‌نژاد، ع و احمدی، ع. ا. (۱۳۷۴). مطالعه تحلیلی و علی هویت یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان.
- رحیمی‌نژاد، ع و منصور، م. (۱۳۸۰). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۴۷۷-۵۰۰.
- شایگان، د. (۱۳۸۰). افسون‌زدگی جدید، هویت چهل‌تکه و تفکر سیار. (فاطمه ولیانی، مترجم). تهران: پژوهش‌فرزان‌روز.
- شمشیری، ب و نوشادی، م. (۱۳۸۶). بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. ۶، ۲، ۵۱-۷۸.
- علی‌اکبری، ح. (۱۳۸۹). هویت اسلامی ایرانی انقلابی و توسعه. (میزگرد علمی). مجله راهبرد. شماره ۲۴، ۴۰-۷.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی. فصلنامه جامعه‌شناسی ایران. ۴، ۴، ۱۶۱-۱۲۷.
- کچویان، ح. (۱۳۸۶). تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعدالطبیعه. تهران: نشر نی.
- کچویان، ح. (۱۳۸۷). معضله یا بحران هویت؟ بررسی و نقد گفتمان‌های هویتی التقاطی یا ترکیبی. فصلنامه راهبرد فرهنگ. ۱، ۳، ۱۶-۷.
- لطف‌آبادی، ح و نوروزی، و. (۱۳۸۶). نظریه پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. ۷، ۵۸-۳۳.
- ملکی، ق. (۱۳۹۱). بررسی توجه انتخابی نسبت به تصاویر مرتبط با دلبستگی: مطالعه‌ای بر مبنای پارادایم دات‌پروب. پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- موسوی، م و کلانتری، م. (۱۳۹۱). راه‌کارهای تقویت هویت اسلامی و ملی دانشجویان از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری. مطالعات قدرت نرم، ۲، ۵، ۹۳-۷۰.
- ناظمی، م. (۱۳۸۹). هویت اسلامی ایرانی انقلابی و توسعه. (میزگرد علمی). مجله راهبرد، شماره ۲۴، ۴۰-۷.

نجات، پ و حاتمی، ج. (۱۳۹۱). بررسی آزمون تداعی ضمنی: مقایسه بین سازه‌های و راهبردهای پاسخ‌دهی آزمودنی‌ها. تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۴، شماره ۵۳، ۷۵-۸۷.

نجات، پ. (۱۳۹۰). بررسی رابطه تصور قالبی و سازه‌های هویتی ضمنی و آشکار با هم و با شاخص‌های رفتاری در دانشجویان ریاضی-فنی و علوم انسانی در ایران. پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

Deleuze, G., & Guattari, F. (۱۹۸۷). A thousand plateaus: Capitalism and Schizophrenia. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Greenwald, A. G., & Benaj, M. R. (۱۹۹۵). Implication social cognition: attitudes, self-esteem, and stereotypes. Psychological Review, ۱۰۲, ۴-۲۷.

Markus, H. R. & Kitayama, S. (۱۹۹۱). Culture and the self: Implication for cognition, emotion and motivation, Psychological Review, ۹۸, ۲۲۴-۲۵۳.

Markus, H. R., & Kitayama, S. (۲۰۱۰). Culture and self: a cycle of mutual constitution. Perspect. Psychol. Sci. ۵, ۴۲۰-۴۳۰.

Matsumoto, D. (۲۰۰۱). The handbook of culture and psychology. Oxford, UK Oxford University Press.

Moshman, D. (۱۹۹۹). Adolescent psychological development: Rationality, morality, and Identity. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.

Triandis, H. C. (۱۹۸۹). The self and social behavior in differing cultural contexts. Psychological Review, ۹۶, ۵۰۶-۵۲۰.